



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۲۹

سیف قاضي زاده

افغانستان در رقابت جیوپولیتیکی هند و پاکستان: بازخوانی موازنه» «Brookings Institution های قدرت بر اساس تحلیل

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه افغانستان در چارچوب رقابت ژئوپلیتیکی میان هند و پاکستان می‌پردازد و تلاش می‌کند که آیا این کشور در قالب یک ساختار پیچیده این پرسش را پاسخ دهد که آیا افغانستان صرفاً میدان رقابت قدرت گیری از نظریه موازنه قدرت، مفاهیم کمپلکس امنیتی‌ای عمل می‌کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منطقه موازنه نشان می‌دهد که رقابت میان هند و Brookings Institution شده توسط‌های معاصر ارائه‌ای و تحلیل منطقه‌های نیابتی غیرمستقیم جریان دارد، نه در قالب تقابل نظامی پاکستان در افغانستان عمدتاً در قالب رقابت نفوذ و جنگ زمان‌طور هم‌های مقاله بیان می‌دارد که افغانستان نه تنها یک میدان رقابت ژئوپلیتیکی است، بلکه به‌مستقیم یافته‌ای موجب بازتولیدهای منطقه‌گرای شکننده عمل می‌کند که در آن کنش متقابل قدرت عنوان یک فضای موازنه به بی‌ثباتی و در عین حال جلوگیری از تسلط کامل یک قدرت می‌شود. در نتیجه، مقاله استدلال می‌کند که فهم سیاست‌ها ناقص خواهد بودای در جنوب آسیا بدون درک نقش ساختاری افغانستان در این رقابت منطقه

مقدمه

ای‌ای و فرامنطقه‌های منطقه‌های قدرت موقعیت جیوپولیتیکی افغانستان همواره این کشور را در مرکز تعاملات و رقابت عنوان یک «واحد جیوپولیتیکی حساس» توصیف‌الملل، افغانستان اغلب به‌قرار داده است. در ادبیات روابط بین‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگر ویژه هند و پاکستان به‌ای به‌های منطقه‌می‌شود که در آن منافع متعارض قدرت گیری نوعی رقابت پایدار شده است که در آن ابزارهای قدرت از جنگ‌تلاقی می‌یابد. این وضعیت موجب شکل اندمستقیم به سمت نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی تغییر ماهیت داده

ای‌در چارچوب نظری، این پدیده را می‌توان با استفاده از نظریه موازنه قدرت و مفهوم کمپلکس امنیتی منطقه‌ها در یک نظام آنارشیک تلاش می‌کنند از طریق‌الملل، دولت‌های کلاسیک روابط بین‌توضیح داد. بر اساس دیدگاه ایجاد توازن در برابر تهدیدات عمل کنند، و در این میان کشورهای با ظرفیت نهادی محدود و موقعیت جغرافیایی‌های معاصر را قرار می‌گیرند. در همین راستا، تحلیل حساس، بیشتر در معرض تبدیل شدن به صحنه رقابت قدرت نیز نشان می‌دهد که افغانستان در تعاملات هند و پاکستان نه صرفاً یک Brookings Institution شده توسط ارائه‌های متقابل امنیتی نقش‌های نفوذی و واکنش‌میدان جنگ، بلکه یک فضای رقابت چندلایه است که در آن سیاست‌کننده دارند تعیین

های تجربی، ماهیت این رقابت را بازخوانی کرده و نشان دهد این مقاله تلاش دارد با ترکیب رویکرد نظری و تحلیل عنوان یک گره مرکزی در معادلات امنیتی جنوب آسیا عمل‌پذیری ساختاری، به‌که چگونه افغانستان در عین آسیب‌ها است یا این‌که می‌کند. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا افغانستان صرفاً میدان رقابت قدرت‌ای تأثیرهای منطقه‌گرای فعال در نظر گرفت که خود نیز بر رفتار قدرت عنوان یک ساختار موازنه‌می‌توان آن را به می‌گذارد.

: جایگاه جیوپولیتیکی افغانستان در جنوب آسیا و آسیا میانه

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

ترین جایگاه جیوپولیتیکی افغانستان در تقاطع آسیای مرکزی، جنوبی و خاورمیانه، این کشور را به یکی از مهم ای بدل ساخته است؛ وضعیتی که در ادبیات سیاسی غالباً با این‌های بزرگ و منطقه‌های تعامل و تقابل قدرت‌کانون های زمینی به‌ها به انتقال جنگ‌ها» است و این رقابت‌گزاره توصیف می‌شود که افغانستان «میدان رقابت قدرت طور مکرر در داخل این کشور می‌انجامد. با این حال، تحلیل دقیق این ادعا نشان می‌دهد که هرچند افغانستان به های جیوپولیتیکی قرار داشته، اما ماهیت و شیوه این رقابت در طول زمان دچار تحول شده و نمی‌توان معروض رقابت های نظری روابط‌های مستقیم تقلیل داد. برای فهم عمیق این پدیده، استفاده از چارچوب آن را صرفاً به جنگ های ای، و نیز تحلیل‌های نیابتی، نظریه کمپلکس امنیتی منطقه‌ویژه نظریه موازنه قدرت، مفهوم جنگ‌الملل، به‌بین باشد ضروری می‌Brookings Institution شده توسط معاصر ارائه

ها در یک نظام‌بندی شده است، دولت‌صورت Kenneth Waltz در چارچوب نظریه موازنه قدرت که توسط المللی تلاش می‌کنند از سلطه یک قدرت برتر جلوگیری نموده و از طریق ایجاد توازن، امنیت خود را آنارشیک بین در چنین ساختاری، کشورهایی با موقعیت جیوپولیتیکی حساس اما ظرفیت نهادی (Waltz 1979) حفظ نمایند ، ها تبدیل می‌شوند. افغانستان نیز در چنین موقعیتی قرار دارد محدود، اغلب به عرصه رقابت غیرمستقیم قدرت ای در آن تلاقی می‌یابد‌های فرامنطقه‌ای مانند پاکستان و هند و همچنین قدرت‌جایی که رقابت میان بازیگران منطقه جای درگیری مستقیم، از بازیگران محلی‌ها به‌های نیابتی همخوانی دارد، زیرا قدرت‌این وضعیت با مفهوم جنگ ای که توسط بوزان و نیابتی‌ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. افزون بر آن، نظریه کمپلکس امنیتی منطقه های کشور‌های همسایه پیوندطور مستقیم با روابط و رقابت‌و ویور مطرح شده، نشان می‌دهد که امنیت افغانستان به Brookings Institution های در تکمیل این چارچوب نظری، تحلیل (Buzan and Wæver 2003) خورده است تنها یک میدان‌هند»، نشان می‌دهد که افغانستان نه-پاکستان-ویژه در خصوص «مثالت افغانستان به، Brookings Institution گرای پیچیده است که در آن هرگونه افزایش نفوذ یک بازیگر، واکنش متقابل بازیگر رقابت، بلکه یک فضای موازنه (Dalrymple 2013) دیگر را برمی‌انگیزد و این تعاملات، دینامیک بی‌ثباتی را تقویت می‌کند

مرور تاریخی این پدیده نیز بر این پیچیدگی تأکید دارد. در قرن نوزدهم، رقابت میان بریتانیا و روسیه که به «بازی بزرگ» معروف است، افغانستان را به یک منطقه حائل تبدیل کرد که هدف اصلی آن مهار نفوذ رقیب بود، نه لزوماً های گسترده به داخل آن. در این دوره، افغانستان بیشتر نقش یک سپر جیوپولیتیکی را ایفا می‌کرد. اما انتقال جنگ ویژه در جریان جنگ شوروی در افغانستان، این الگو تغییر یافت و افغانستان به صحنه در دوره جنگ سرد، به طور مستقیم مداخله کرد و ایالات متحده همراه با یک جنگ نیابتی گسترده تبدیل شد، جایی که اتحاد شوروی به ها در قالب‌ای بارز از تحقق عملی رقابت قدرت‌پاکستان از نیروهای مخالف و نیابتی حمایت نمودند. این دوره نمونه، تأکید می‌کند که چنین سطحی از مداخله مستقیم Brookings Institution های جنگ زمینی است، اما تحلیل ها نیست‌الملل دوقطبی مربوط بوده و قابل تعمیم به همه دوره‌بیشتر به شرایط خاص نظام بین

سوی یک‌پس از سال 2001، با حضور نظامی ایالات متحده و ناتو، ماهیت رقابت بار دیگر دگرگون شد و به ترها ادامه یافت، اما ابزارهای آن متنوع‌الگوی ترکیبی حرکت کرد. در این مرحله، اگرچه رقابت میان قدرت گردید و ابعاد اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک اهمیت بیشتری پیدا کرد. کشورهایی مانند هند، پاکستان، ایران، چین های غیرمستقیم گسترش دهندگزارای، تعاملات سیاسی و حمایت‌و روسیه تلاش کردند نفوذ خود را از طریق سرمایه نشان می‌دهد که رقابت میان هند و پاکستان در افغانستان Brookings Institution های در همین راستا، تحلیل عمل می‌کند، نه یک جنگ مستقیم، و همین (Influence Competition) «صورت یک» رقابت نفوذبیشتر به ویژه زمانی که پاکستان نفوذ هند را طور غیرمستقیم بر بی‌ثباتی داخلی افغانستان تأثیر بگذارد، به رقابت می‌تواند به (Pant 2011) گرانه اتخاذ می‌نماید‌های مداخله‌تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند و در واکنش به آن سیاست دلیل موقعیت جیوپولیتیکی و بر این اساس، ارزیابی انتقادی گزاره مورد بحث نشان می‌دهد که اگرچه افغانستان به معنای انتقال مداوم‌ها بوده است، اما این امر به ساختارهای نهادی شکننده، مستعد تبدیل شدن به عرصه رقابت قدرت گیری نوعی رقابت‌های زمینی به داخل آن نیست. بلکه آنچه بیشتر مشاهده می‌شود، شکل و سیستماتیک جنگ ها از ترکیبی از ابزارهای سخت و نرم برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند چندی است که در آن قدرت که صرفاً این دیدگاه را تقویت می‌کند که افغانستان بیش از آن Brookings Institution های عبارت دیگر، تحلیل به صورت غیرمستقیم و از‌ها عمدتاً به‌گرای پیچیده است که در آن رقابت‌یک میدان جنگ باشد، یک فضای موازنه ای اعمال می‌شود طریق بازیگران داخلی و منطقه

الملل معاصر، هم‌زمان هم یک میدان رقابت و هم‌بندی کرد که افغانستان در نظام بین‌در نتیجه؛ می‌توان چنین جمع های‌ها در این کشور واقعی و مستمر است، اما ماهیت آن از جنگ‌گر بالقوه است. رقابت قدرت‌یک بازیگر موازنه های ترکیبی و چندلایه تحول یافته است. بنابراین، درک علمی این پدیده مستلزم عبور از نگاه‌مستقیم به سمت رقابت

هایتری است که در آن تعامل میان ساختارهای داخلی، رقابت‌انگاران «میدان جنگ» و پذیرش واقعیت پیچیده‌ساده . زمان عمل می‌کنند صورت هم‌های بزرگ ، به‌ای و راهبردهای قدرت‌منطقه ای معرفی می‌کند ، از نظر تاریخی و‌های بزرگ و منطقه‌ای (ادعا (که افغانستان را میدان رقابت قدرت‌گزاره نظری تا حد زیادی قابل پذیرش است، زیرا موقعیت جیوپولیتیکی افغانستان باعث شده است که این کشور در تقاطع های بیرونی بر فضای‌ها و رقابت‌ای و جهانی قرار گیرد و در موارد متعدد ، سیاست‌منافع بازیگران مهم منطقه ویژه نظریه کمپلکس امنیتی‌الملل ، به‌های روابط بین‌داخلی آن تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بگذارد . در چارچوب نظریه طور جدی با رفتار کشورهای پیرامونی مانند پاکستان، هند، ایران، چین و روسیه گره‌ای ، امنیت افغانستان به‌منطقه خورده است و همین امر زمینه مداخله و نفوذ خارجی را در این کشور تقویت کرده است

های‌زدن به یکدیگر ، جنگ‌صورت هدفمند برای ضربه‌های بزرگ همواره و به‌با این حال ، این تصور که قدرت زمینی را به داخل افغانستان منتقل می‌کنند ، نیازمند دقت و بازنگری انتقادی است . شواهد تاریخی نشان می‌دهد که های جهانی تبدیل‌هایی مانند جنگ شوروی در افغانستان، این کشور واقعاً به صحنه جنگ نیابتی میان قدرت‌در دوره های‌های دیگر ، الگوی رقابت بیشتر به اشکال غیرمستقیم مانند حمایت سیاسی، کمک‌شده بود، اما در بسیاری از دوره امنیتی، رقابت اقتصادی و نفوذ دیپلماتیک بروز یافته است تا جنگ مستقیم زمینی

های مستقیم نظامی‌ها در افغانستان نشان می‌دهد که ماهیت این رقابت از جنگ‌در واقع ، روند تحول رقابت قدرت های نیابتی، رقابت اطلاعاتی و نفوذ جیواکونومیک تغییر یافته‌تر مانند جنگ‌هزینه‌تر و کم‌به سمت اشکال پیچیده ها بوده‌است . بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که افغانستان اگرچه در بسیاری از مقاطع تاریخی میدان رقابت قدرت های زمینی مستقیم به داخل کشور نبوده، بلکه بیشتر در قالب‌است، اما این رقابت لزوماً به معنای انتقال دائمی جنگ . مداخلات غیرمستقیم و چندلایه در ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن ظاهر شده است

: " پیشنهاد چند به حاکمان ، حاکمیت فعلی "افغانستان و طنم

تبدیل شود (balancer) گربه بازیگر موازنه (object) افغانستان زمانی سود می‌برد که از حالت منفعل یعنی نه به هند و نه به پاکستان وابسته باشد ، بلکه

زنی «تبدیل‌رقابت این دو را به «اهرم چانه

گفته می‌شود hedging strategy های رئالیستی به آن کند . این دقیقاً همان چیزی است که در نظریه (Goeconomics) اقتصاد و ترانزیت

افغانستان می‌تواند موقعیت جغرافیایی خود را به دارایی تبدیل کند

تبدیل شدن به چهارراه ترانزیتی منطقه

: های رقیب‌استفاده از پروژه

هند: بندر چابهار) از طریق ایران)

. پاکستان: مسیرهای تجاری سنتی و کریدورها

. دادن امتیاز محدود به هر دو ، بدون انحصار

گذاری رقابتی ، رقابت هندجذب سرمایه

: و پاکستان می‌تواند به شکل زیر استفاده شود

های زیربنایی از هر دو طرف ، انرژی ، راه سازی و معادن‌درخواست پروژه

ای نباید انحصاری باشد هیچ پروژه

افغانستان می‌تواند

از هر دو کشور تعهد عدم مداخله بگیرد

رقابت را به سمت همکاری امنیتی هدایت کند ، مثلاً

مبارزه با تروریسم ، کنترل مرزها

کنترل مرزها و تبدیل رقابت امنیتی به همکاری محدود

دیپلماسی چندجانبه

: افغانستان نباید رقابت را فقط دوجانبه نگه دارد، بلکه باید

. پای بازیگران دیگر چون ، روسیه و ایران را نیز باز کند

گذاری‌کاهش فشار هند و پاکستان از طریق چندقطبی‌سازی محیط ، ابزارهای عملی سیاست

(Positive Neutrality) «الف (سیاست) توازن مثبت

روابط خوب با هر دو طرف
عدم ورود به اتحادهای ضد یکدیگر
محور بجای شعار های سیاسی و تمرکز بر پروژه های ملموس قرارداد های شفاف به جای شعار دیپلماسی پروژه های
سیاسی و تمرکز به پروژه های ملموس
قراردادهای اقتصادی شفاف، مدیریت هوشمندانه دیپلوماسی و جلوگیری از تنش کامل امان سطح از رقابت را حفظ نماید
. سطحی از رقابت را حفظ کند

: منابع و مأخذ

Waltz, Kenneth N. Theory of International Politics. New York: McGraw-Hill, 1979.

Buzan, Barry, and Ole Wæver. Regions and Powers: The Structure of International Security. Cambridge: Cambridge University Press, 2003.

Dalrymple, William. A Deadly Triangle: Afghanistan, Pakistan, and India. Washington, DC: Brookings Institution, 2013.

Pant, Harsh V. "India in Afghanistan: A Test Case for a Rising Power." Washington, DC: Brookings Institution, 2011.

Westad, Odd Arne. The Global Cold War. Cambridge: Cambridge University Press, 2005.

عرض احترامات فایقه

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ